



درس اخلاق ۱۳۹۸/۰۹/۲۱

حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی جمیع الأنبیاء و المرسلین سیما خاتمهم و أفضلهم محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) و أهل بیته الأطیین الأنجبین سیما بقیه الله فی العالمین بهم تتولی و من أعدائهم تبرء إلى الله».

مقدم شما برادران و خواهران ایمانی را گرامی می‌داریم و از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم به همه شما علم نافع و عمل صالح مرحمت کند و این دعا را برای نظام ما امت ما مملکت ما و جوامع اسلامی ما بالأخص به پیروان قرآن و عترت إجابت بفرماید.

بحث‌های روز پنج‌شنبه درباره شرح نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین(علیه السلام) بود از سالیان قبل شروع شد تا رسیدیم به کلمات حکیمانه و نورانی آن حضرت. مستحضرید که نهج‌البلاغه‌ای که سید رضی(رضوان الله تعالی علیه) جمع‌آوری کرد کار یک نفر بود در حالی که این کار مقدور یک نفر نبود و نیست سخنان نورانی آن حضرت در جوامع و مجامع فراوانی ایراد شده است؛ لذا اکنون که کتاب شریف تمام نهج‌البلاغه چاپ شد تقریباً چند برابر نهج‌البلاغه سید رضی است. آنچه در این نوبت بحث می‌شود که در نهج‌البلاغه آمده است اینها در کتاب شریف تمام نهج‌البلاغه در صفحه ۵۶۴ و ۵۶۵ از یک طرف و در صفحه ۹۹۹ از طرف دیگر آمده است. برای یک پژوهشگر

نهج‌البلاغه هیچ چاره‌ای نیست مگر اینکه آن کتاب تمام نهج‌البلاغه را از نظر بگذرانند، چون ائمه (علیهم السلام) شاگردان فراوانی تربیت کردند همه پیروان شاگردان آن ذوات قدسی‌اند؛ اما حوزوی‌ها و دانشگاهی‌ها شاگردان مخصوص‌اند. به ما در زیارت جامعه کبیر و مانند آن دستور دادند وقتی به بارگاه رفیع ائمه (علیهم السلام) مشرف شدیم غیر از عرض ادب و اظهار ارادت و درخواست نیازهای خودمان، گذشتگانمان و آیندگانمان، به آنها عرض کنیم: «مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ»^۱ یعنی من که به بارگاه شما مشرف شدم گذشته از حوایج دنیا حوایج آخرت برای خودم، گذشتگانم، دوستانم و برای مسلمان‌ها درخواست می‌کنم، دو چیز مهم را هم از شما می‌خواهم آن توفیق را بر برکت ذات اقدس الهی از خدا بخواهید که من جزء محققان عالم و پژوهشگر و چیز بفهم جامعه بشوم این را در زیارت می‌خوانیم خودشان اجازه دادند که به حضور اینها عرض کنیم: «مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ»؛ این با شنیدن تقلیدی و سخنرانی این و نوشته آن و مقاله آن حل نمی‌شود. به ما گفتند وقتی مشهد می‌روید بخواه و بکوش که محققانه بروی و محققانه برگردی و گرنه مسائل دنیای حل‌شدنی است؛ مخصوصاً طلاب حوزه‌ها و دانشجویان عزیز دانشگاه‌ها، «مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ». مکتب‌های صحیح دنیا را من با پژوهش محققانه تثبیت کنم، مکتب‌ها و آرای باطل دنیا را من با پژوهش محققانه بتوانم محققانه باطل کنم «مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ».

بنابراین ما در کنار قرآن کریم الا و لابد باید در محضر، مشهد و در مکتب در بارگاه رفیع نهج‌البلاغه زانو بزنیم راهنمایی‌های آن حضرت برای ما راه‌گشا باشد رهبری‌های آن حضرت برای ما، پیروی آن حضرت را در طی طریق آسان کند و کلمات نورانی آن حضرت برای ما راه‌گشا باشد.

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۵.

در نهج البلاغه آمده است که از حضرت سؤال کردند خیر چیست؟ که ما می‌گوییم خدایا به ما خیر عطا کن و خدا هم در قرآن فرمود: ﴿وَبَلَّوْكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً﴾^۲ خیر چیست؟ خیر در چیست؟ «سُئِلَ عَنِ الْخَيْرِ مَا هُوَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَكَذَلِكَ وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَأَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ»^۳ فرمود به مقداری که انسان آبرویش محفوظ باشد همان مقدار کافی است. معنای خیر این نیست که ارقام صفر ثروت او بیشتر باشد، این یک بارداری است و همالی برای دیگران است. ببینید کسی که خانه‌ای می‌سازد برای نیاز خود این یک مسکن خوبی است این را مرحوم صاحب وسائل (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب شریف وسائل از کلمات ائمه (علیهم السلام) نقل می‌کند که ما در زیارت اینها عرض می‌کنیم: «كَلَامُكُمْ نُورٌ»^۴ مرحوم صاحب وسائل در کتاب مسکن وسائل این روایت‌ها نورانی از ائمه (علیهم السلام) نقل می‌کند که کسی برج‌سازی کند، خانه و چند اشکوبه بسازد که مورد نیاز او نیست، فقط جهت فخرفروشی بالا ببرد فرشته‌ها می‌گویند: «يَا أَفْسَقَ الْفَاسِقِينَ أَيْنَ تُرِيدُ»^۵ کجا می‌خواهید بیایی؟ چیزی که انسان باید بگذارد و برود که خیر نیست؛ آری اگر به تولید پردازد به اشتغال پردازد مشکلات جامعه را حل کند، این کسی که به تولید می‌پردازد مشکل اقتصادی جامعه را حل می‌کند دست چنین کارگری را پیغمبر بوسید؛^۶ وگرنه آن روایات که کسی تلاش و کوشش بکند حضرت فرمود خیر در این نیست که مال تو زیاد شود یا اولاد تو زیاد بشود خیر در دو چیز است: در بخش عقل نظر، اندیشه صائب و محققانه و در بخش عقل عمل، حلم و بردباری است.

۲. سوره انبیاء، آیه ۳۵.

۳. نهج البلاغه (للصبحی صالح)، حکمت ۹۴.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۶.

۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۱.

۶. اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۶۹.

درست است فارسی فرهنگ ماست لغت ماست و ما به آن خیلی علاقمندیم اما فارسی کجا عربی کجا! بسیاری از کلماتی است که در فرهنگ عرب به تنهایی آن مطلب ادا می‌شود، ولی ما در فارسی لفظ نداریم. ما همان طوری که در فارسی تشبیه نداریم ضمیر مذکر و مؤنث نداریم، به هر دو می‌گوییم «او» چه مرد باشد چه زن باشد؛ اما عرب می‌گوید «هو» و «هی». ما یک نفر را می‌گوییم «تو»، بیش از یک نفر را می‌گوییم «شما»؛ چه دو نفر باشند چه بیش از دو نفر. اما در عربی تشبیه دارند به یک نفر می‌گویند «أنت»، به دو نفر نمی‌گویند «أنتم»، می‌گویند «أنتما» به سه نفر به بعد می‌گویند «أنتم». ما اصلاً در فارسی تشبیه نداریم مذکر و مؤنث نداریم، او در خطابش مذکر باشد می‌گوید «أنت»، مؤنث باشد می‌گوید «أنت»، در غیابش «هو» و «هی» دارد مذکر و مؤنث دارد مفرد و تشبیه دارد. ما در فارسی نه در «چه وقت» و در نه «کجا»، نه در «دیر» و نه در «دور» اصلاً ضمیر وسط نداریم ما می‌گوییم اینجا و آنجا؛ اگر نزدیک باشد می‌گوییم اینجا، اگر نزدیک نباشد می‌گوییم آنجا، چه وسط باشد چه دور؛ چه در دور و چه در دیر، چه در زمان چه در مکان. در زمان هم همین طور است می‌گوییم اکنون یا گذشته. اما در عربی این چنین نیست حساب شده است اگر نزدیک باشد می‌گویند «ذا» اگر وسط باشد می‌گوید «ذاک»، اگر دور باشد می‌گویند «ذلک».

ما در فارسی کلمه‌ای که بتواند حِلْم را معنا کند نداریم صبر را معنا کند نداریم؛ ما ناچاریم دو تا کلمه را کنار هم بگذاریم تا یک کلمه عربی را معنا کند اینکه گفته می‌شود ترجمه قرآن، اگر متعذّر نباشد متعسر است؛ اگر محال نباشد سخت است؛ برای اینکه ما در فارسی لفظ نداریم، ناچاریم با چند کلمه ترکیب شده، یک کلمه عربی را معنا کنیم. ما الآن در فارسی کلمه‌ای که بتواند حِلْم را معنا کند نداریم در روایات ما حِلْم آمده است ناچاریم بگوییم

حلیم کسی است که بردبار باشد این «بار» را ببرد؛ حرف سنگینی که شنید حادثه که تلخی که رخ داد این بار را ببرد. این بردبار دو تا کلمه است که دارد معنای حِلْم را تشریح می‌کند.

حضرت فرمود: خیر علمی، فخر، برهان است. انسانی که اهل برهان است نه بیجا سخن می‌گوید نه سخن بیجا می‌تواند او را از جا در ببرد، انسانی که حلیم و سنگین و بردبار است نه بازیگر است نه می‌شود او را بازی داد. در قرآن کریم فرمود مردانی به مقصد می‌رسند که نه خودشان اهل بازی باشند نه بتوان اینها را بازی داد. در سوره مبارکه «مؤمنون» فرمود: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾؛^۷ بعد فرمود: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾^۸ خودشان اهل بازی نیستند. در سوره مبارکه «نور» فرمود: ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ﴾^۹ «إلهاء» باب «إفعال» است و متعدی است، آن «لغو» هم که ثلاثی مجرد است و لازم. فرمود مردانی به مقصد می‌رسند که بازیگر نیستند، یک؛ اینها را هم نمی‌شود با بازی‌های عادی اینها را بازی داد، دو؛ ﴿رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾.

به وجود مبارک حضرت امیر(سلام الله علیه) عرض کردند خیر چیست؟ فرمود خیر داشتن مال زیاد نیست داشتن فرزند زیاد نیست، فرزند صالح شرف‌بخش است مال حلال و طیب و طاهر باعث برکت است اینها خیر است. خیر در دو چیز است در بخش اندیشه علم صائب و در بخش انگیزه حِلْم صالح. فرمود این دو چیز عامل خیر بودن است و خودشان خیر هستند «لَيْسَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَلَكِنَّ الْخَيْرَ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَأَنْ يَعْظَمَ حِلْمُكَ وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدَتَ اللَّهُ وَإِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرَتَ اللَّهُ»؛ تو اگر بتوانی در عبادت

۷. سوره مؤمنون، آیه ۱.

۸. سوره مؤمنون، آیه ۳.

۹. سوره نور، آیه ۳۷.

بیش از دیگران بروی این خیر توسل و اگر کار خیر کردی نگویی من کرده‌ام! خدا غریق رحمت کند استاد الهی
قمشه‌ای را فرمود:

من الهی هو الله گویم (نه أنا الله) *** ذرّه‌ام یا که خورشید از اویم^{۱۰}

نگوید من به جایی رسیدم، خدا را شکر می‌کنم که این نعمت را به ما داد؛ این انسان هم بالاتر می‌رود هم راه
کسی را نمی‌بندد. حضرت فرمود اگر کار خیر کردی بگو «الحمد لله» که این توفیق به دست من داده شد به ما هم
گفتند که این را از خدا بخواهید در شب‌های ماه مبارک رمضان آدم وقتی مهمان صاحبخانه شد صاحبخانه می‌گوید
چه میل داری؟ این ماه مبارک رمضان ماه ضیافت است اینها که در سرزمین مکه و حج عمره موفق می‌شوند جزء
«ضیوف الرحمن» هستند اینها که در ماه مبارک رمضان به فیض روزه گرفتن موفق‌اند جزء «ضیوف الرحمن»
هستند. در شب‌های ماه مبارک رمضان دعایی که به ما گفتند بخوانید این است که شما مهمان هستید از صاحبخانه
هر چه بخواهید به شما می‌دهد. شما به صاحبخانه بگویید که خدایا تو که دست از خیر بر نمی‌داری تو که دین خود
را حفظ می‌کنی، قرآن خود را حفظ می‌کنی، بیان عترت خود را حفظ می‌کنی، آن توفیق را بده که دین تو به دست
من حفظ بشود، نه اینکه من در کنار سفره دیگری بنشینم «اللَّهُمَّ ... وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي
غَيْرِي»^{۱۱} خدایا یقیناً تو دین خود را حفظ می‌کنی عترت خود را حفظ می‌کنی، حسین بن علی را حفظ می‌کنی همه
را حفظ می‌کنی ممکن نیست اینها از دنیا رفتند آثارشان هم برود، آثارشان برای همیشه زنده است آن توفیق را بده
که دین تو به وسیله من و به دست من زنده بشود دیگران در کنار سفره من باشند، اینکه چیز بدی نیست، اینکه
مال نیست تا انسان بگوید به من ثروت بده دیگران بیایند کنار سفره من! این علم است شما از خدا بخواهید عالم

۱۰. دیوان الهی قمشه‌ای.

۱۱. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۵۸۹.

بشوید و دیگران از کتاب شما استفاده کنند اینکه چیز بدی نیست. این جزء دعا‌های نورانی شب‌های ماه مبارک رمضان است؛ خدایا آن توفیق را بده که من کلمات علی بن ابیطالب (سلام الله علیهما) را بفهمم کلمات ائمه را بفهمم، معنا کنم، ترجمه کنم و بنویسم که دیگران استفاده کنند، اینکه چیز خوبی است.

فرمود خیر در این است که علم شما زیاد بشود در بخش اندیشه و در بخش انگیزه حلم و صبر و بردباری شما زیاد بشود که اگر یک حادثه جزئی دیدید نرنجید، دنیا جای آزمون و امتحان است. فرمود خیر در این است که «أَنْ يَكْثَرَ مَالُكَ وَ لَكَ الْخَيْرُ أَنْ يَكْثَرَ عِلْمُكَ وَ أَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَ أَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمَدَتَ اللَّهَ وَ إِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرَتَ اللَّهُ»؛ اگر لغزشی دارید فوراً توبه کنید، بگویید بخشیدم و نگذارید کهنه بشود؛ مثل یک بیماری که فوراً انسان باید به درمان پردازد.

«وَلَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ»؛ دنیا که متجر اولیاست فقط دو گروه از آن خیر می‌بینند، «رَجُلٌ أَذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَذَكَّرُهَا بِالتَّوْبَةِ وَ رَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ وَ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ التَّقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ»^{۱۲} فرمود دو نفر در دنیا بهره می‌برند تجارت دنیا متجر اولیاست، یکی اینکه اگر پایش لغزید فوراً برخیزد استغاثه کند، استنصار کند، استغفار کند او «غَفَّارُ الذُّنُوبِ» است. او به قدری کریم است که قابل وصف نیست؛ اگر کسی با خدا رابطه داشت آبروی کسی را نبرد اگر لغزید خدا آبروی او را حفظ می‌کند. ببینید در قرآن فرمود: خود خدای سبحان همه اعمال شما را می‌بیند درست است! بعد فرمود هر کاری که انجام بدهید فرشتگانی را من فرستادم مأمور ضبط اعمالاند: ﴿إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾^{۱۳} اصلاً ملائکه‌ای را که معصوم‌اند فرستاده که همه اعمال را ضبط بکنند تا در «یوم الحساب» بررسی کنیم و کسی نتواند این کار را بکند نه کم باشد نه زیاد، اصلاً

۱۲. نهج البلاغة (للصبي صالح)، حکمت ۹۴ و ۹۵.

۱۳. سوره انفطار، آیات ۱۰-۱۲.

ملائکه را برای این فرستاد. در دو بخش از قرآن کریم در سوره مبارکه «توبه» هم فرمود: ﴿قُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ﴾^۱ پیغمبر و اهل بیت می بینند، این درست است! ولی اگر خواست آبروی ما را حفظ بکند چه کار می کند؟ اصلاً ملائکه را فرستاده که اعمال ما را ضبط کنند. وجود مبارک پیغمبر و اهل بیت (علیهم السلام) را در قرآن معرفی کرد که اعمال شما را می بینند «یری» اگر خواست آبروی ما را حفظ بکند نه اجازه می دهد که آن ملائکه بفهمند تا بنویسند و نه اجازه می دهد که این ذوات قدسی ببینند.

این دعای نورانی کامل که شب های جمع قرائت می کنید تلاوت می کنید بهره می برید این است: خدایا تو کسی هستی که «وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ»^۲ خدایا خدایا هر کاری که من کردم تو می بینی و تو آن قدر مهربان و کریم و رئوف و لطیف هستی که حتی اجازه نمی دهی بعضی از کارهای آبروبر را ملائکه که فرستادی برای ضبط اعمال، ببینند، نه اینکه آنها اهل دیدن نیستند تو نمی گذاری نه اینکه اهل بیت اهل دیدن نیستند تو نمی گذاری «وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ» مگر آنها چیزی بر آنها مخفی است؟ اصلاً آنها آمدند به تعلیم الهی که همه چیز را بنویسند ممکن نیست چیزی بر ملائکه و «کرام الکاتبین»^۳ مخفی باشد. فوراً در همین نورانی کامل استرجاع شده است که خدایا اینکه آنها آنها نمی بینند تو نمی گذاری ببینند، تو برای اینکه آبروی ما را حفظ بکنی نزد ائمه (علیهم السلام) آبروی ما را نگه می داری این خداست چرا ما رابطه با او را کم بکنیم؟ ممکن است حوادث در عالم زیاد باشد ممکن است کسی چهار تا کار بدی بکند ولی دین حریم شخصی ماست؛ ماییم و دین ما. ارتباط ما با خدا برای ابد باید محفوظ باشد، ماییم

۱. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۲. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۸۴۹.

۳. اشاره به سوره انفطار، آیه ۱۱؛ ﴿وَرِامًا كَاتِبِينَ﴾.

و دین و ارتباط با خدا در دنیا، در برزخ، در ساهره قیامت، در بهشت - إن شاء الله - ما هستیم که هستیم یک موجود ابدی هستیم دین جزء حریم شخصی ماست مبادا - خدای ناکرده - جوانی بگوید حالا فلان مسئول بیراهه رفته یا راه کسی را بسته من چرا ارتباط خود را با مسجد حفظ بکنم! فرمود این کار را نکنید. اساس کار در این است که در دنیا فقط دو گروه خیر می بینند، اگر اشتباه کردند فوراً برگردند تدارک کنند و اگر کار خیر کردند نگویند همین قدر بس است.

یک بیان نورانی از امام حسن مجتبی (سلام الله علیه) فرمود می خواهید در دنیا سعادتمند باشید این دو تا کار را بکنید: در مسائل مادی پایین تر از خودتان را ببینید؛ خیلی ها هستند که وضع زندگی شان از ما ساده تر است بنابراین ما آنها را ببینیم راحت هستیم در مسائل معنوی خیلی ها هستند که از ما بالاترند عالم ترند آگاه ترند؛ این دستور امام مجتبی (سلام الله علیه) است فرمود در امور معنوی حتماً بالاتر از خود را ببینید در امور دنیا و مادی همیشه ساده تر از خود را ببینید، اینها هست.

فرمود در دنیا دو گروه خیر می بینند «وَرَجُلٌ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ بعد فرمود این خیر است می دانید چرا خیر است؟ برای اینکه می ماند که می ماند که می ماند می شود ابدی و نه چه وقت دارد و نه کجا؛ ما چنین موجودی هستیم. الآن چند میلیارد سال برای منظومه شمسی هست برای این سیاهچاله ها هست قابل فهم است ولی روزی بساط اینها جمع می شود ولی ما هستیم که هستیم، ما یک موجود ابدی هستیم. در اینجا استدلال حضرت این است که کار خیر کم نیست «كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ» بعد استدلال می کند به آیه: ﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^۱ اگر خدا چیزی را پذیرفت برای ابد می ماند اگر ابدی است چیز کمی که نیست.

۱. سوره مائده، آیه ۲۷.

بعد فرمود که شما می‌توانید یک شناسنامه‌ای بگیرید. ما هر وقتی که به دنیا آمدیم شناسنامه ما را پدر و مادر ما می‌گیرند نام ما را انتخاب می‌کنند این یک امر طبیعی است؛ اما وقتی بالغ شدیم باید برای خودمان شناسنامه بگیریم. وجود مبارک پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التّحیة و الثناء) فرمود: من و علی بن ابیطالب حاضریم شما را به عنوان فرزندی قبول کنیم بیاید بچه‌های ما بشوید «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»^۱ اگر این ذوات قدسی پدران ما شدند مادر ما چه کسی خواهد؟ چرا ما این فخر را از دست بدهیم؟ فرمود ما حاضریم شما را به عنوان فرزندی قبول بکنیم «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ»؛ اگر چنین فخری است اگر چنین جایگاهی است چرا ما این رابطه را قطع بکنیم؟

بیان نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) در نهج البلاغه این است که به هر حال شما پدرتان مشخص است علی بن ابیطالب است و پیغمبر، جدّتان کیست؟ فرمود در قرآن کریم ذات اقدس الهی فرمود: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ﴾^۲ فرمود بیاید بچه‌های ابراهیم خلیل شوید. در بخش پایانی سوره مبارکه «حج» فرمود که ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ﴾؛ این ﴿مِلَّةَ﴾ منصوب به «اغراء» است یعنی «خذوا»؛ ﴿مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ﴾^۳ دین پدرتان را بگیرید پس می‌شود انسان بشود فرزند امیرالمؤمنین، فرزند پیغمبر (علیهما السلام) و نوه ابراهیم خلیل، چرا ما اینها را از دست بدهیم؟

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۲۷.

۲. سوره مائده، آیه ۶۸.

۳. سوره حج، آیه ۷۸.

اینجا استدلال وجود مبارک حضرت امیر این است فرمود: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ ثُمَّ تَلَا [ع]» این آیه را: «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا»^۱، فرمود شما چرا ارتباط خودتان را با انبیاء کم کردید؟ الآن کل جهان این هفت میلیارد را همین چهار پنج نفر دارند اداره می‌کنند نامی برای دیگران نیست، یا موسای کلیم است یا عیسای مسیح است یا بزرگان مکتب‌های دیگر هستند یا وجود مبارک پیغمبر اسلام است. اگر مردان جهانی هستند که هستند و جهان را اداره می‌کنند همین چهار پنج نفرند؛ فرمود شما چرا با این چهار پنج نفر ارتباط برقرار نمی‌کنید؟ «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ» ما پدرمان بشود علی بن ابیطالب و جدّمان هم بشود ابراهیم خلیل، اینکه کار بدی نیست خوب هم هست؛ آن وقت کشور ما اداره می‌شود نه بیراهه می‌رویم نه احتکار می‌کنیم نه گران‌فروشی می‌کنیم نه اختلاس می‌کنیم نه نجومی پیدا می‌کنیم اینها را ننگ می‌دانیم؛ چرا ما این را از دست بدهیم؟ این کشور طیب و طاهرشده را چرا ما از آن بهره نبریم؟

بارها به عرض شما رسید آب ولو به صورت سیل هم باشد آن عرضه را ندارد که بعضی از چیزها را پاک کند، آفتاب با همه جلال و شکوهی که دارد آن هنر را ندارد که بعضی از چیزها را پاک کند. مستحضرید که هم آب جزء مطهرّات است هم آفتاب؛ اینها بول و امثال بول را پاک می‌کند اما استعمار را استکبار را استحمار را استدلال را بردگی دیگران را اینها را فقط خون شهید پاک می‌کند. در اینکه آفتاب هنرمند است در باران هم هنرمند است اما در این زیارت‌ها ما چه می‌خوانیم؟ ائمه (علیهم السلام) به ما چه گفتند؟ فرمود وقتی به زیارت شهدای اسلام

رفتید در پایان زیارت وارث یا بعضی از زیارت‌های دیگر بگویید: «طِبُّنُمُ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ»^۱ فقط خون شهید است که جلوی آلودگی استکبار را می‌گیرد آلودگی اختلاس را می‌گیرد آلودگی راه‌بندی را می‌گیرد آلودگی فشار بر مردم را می‌گیرد، این خون است؛ از آفتاب برمی‌آید، از باران ولو به صورت سیل هم در بیاید برمی‌آید این کلام‌ها نورانی نیست؟ این کلام‌ها بوسیدنی نیست؟ «كَلَامُكُمْ ثَوْرٌ» ما نباید مشکل داشته باشیم با داشتن همه این نعمت‌ها.

فرمود پاک می‌کند «طِبُّنُمُ وَ طَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ». قبلاً هم به عرض شما رسید که در این گونه از موارد یک مقدمه را اهل بیت (علیهم السلام) می‌فرمایند، یک مقدمه را قرآن گفته است. این صغری و کبری را این دو مقدمه را، این دو مرکز نورانی می‌گویند در قرآن کریم دارد: ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ﴾^۲ بلد طیب میوه طیب می‌دهد کشوری که طیب و طاهر شد میوه طیب می‌دهد. آن صغری را زیارت‌نامه‌ها بیان می‌کند این کبری را قرآن. در زیارت‌نامه‌ها می‌خوانیم هر جا شهید بیارم طیب و طاهر می‌شود، در قرآن می‌خوانیم هر جا طیب و طاهر شد میوه طیب و طاهر می‌دهد.

یک شجره‌ای سادات بزرگوار دارند آن کمال است و عنایت الهی است و فیض خاص است از آن ذوات پربرکت است؛ اما شجره‌ای برای همه ما است که فرزندان معنوی انبیا باشیم فرمود: ﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ برای اینکه خدای سبحان ولیّ مؤمنین است؛ بعد فرمود ولیّ رسول خدا (علیه و علی آله آلاف التحية و الثناء) کسی است که «أَطَاعَ اللَّهَ وَ إِنِ بَعُدَتْ لُحْمَتُهُ»؛ گرچه از نظر نسب فاصله دارد ولی از

۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲، ص ۷۲۳.

۲. سوره اعراف، آیه ۵۸.

نظر سبب و پیوند با پیغمبر نزدیک است. «وَإِنَّ عَدُوَّ مُحَمَّدٍ مِّنْ عَصَى اللَّهِ وَإِنْ قَرَّبْتُ قَرَابَتُهُ»^۱ ولو عموی پیغمبر هم باشد قرآن کریم دارد: ﴿تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ﴾^۲ با اینکه عموی پیغمبر بود بنابراین انسان می‌تواند با پیغمبر با علی بن ابیطالب (علیهما آلاف التحية و الثناء) رابطه برقرار کند که امیدواریم همه شما به برکت قرآن و عترت این پیوند ناگسستنی را با قرآن و عترت داشته باشید.

من مجدداً مقدم همه شما را گرامی می‌دارم از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم امر فرج ولی‌اش را تسریع بفرماید!

نظام ما رهبر ما مراجع ما دولت و ملت و مملکت ما را در سایه ولی‌اش حفظ بفرماید!

روح مطهر امام راحل و شهدا را با اولیای الهی محشور بفرماید!

خطر بیگانگان را به استکبار و صهیونیسم برگرداند!

استقلال مملکت امنیت مملکت اقتصاد مملکت آرامش مملکت آسایش مملکت رفاه مملکت وحدت مملکت را به

برکت قرآن و عترت و در سایه عنایت ولی‌اش برای همه ما حفظ بفرماید و این ادعیه را در حق همه مؤمنین

مستجاب بفرماید!

«غفر الله لنا و لكم و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

۱. نهج البلاغة (للصبحی صالح)، حکمت ۹۶.

۲. سوره مسد، آیه ۱.